

بازخوانی نقش زنان به سان شکارچی در جوامع جست‌وجوگر خوراک با کمک پژوهش‌های قوم‌نگاری و یافته‌های باستان‌شناسی

سمانه نظیف (نویسنده مسئول)

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

nazifsamaneh@yahoo.com

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۳ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۲۲)

چکیده

این ایده که انسان‌های اولیه کار خود را بر اساس جنسیت تقسیم می‌کردند، چنان تأثیرگذار است که برخی بر این باورند اصل و نسب و دودمان انسان را می‌توان با تقسیم منحصر به فرد بین «مردان شکارچی» و «زنان گردآورنده» تعریف کرد. اگرچه انسان‌شناسان فمینیست پارادایم «مرد شکارچی» را به‌طور جدی زیر سوال برده‌اند، ولی «مردان و شکار» همچنان یک مفهوم توضیحی آشنا برای طرد زنان از جنبه‌های خاصی از دگرگشت است. مطالعات باستان‌شناسی که به‌شدت بر نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای متکی بودند حوزه‌ی فعالیت زنان را در گذشته به عنوان خانگی و مخالف دنیای «غیرخانگی» مردان طبقه‌بندی کرده‌اند. بی‌شک ساختارهای توضیحی مانند «مرد شکارچی» در توضیح ماهیت واقعی شیوه زندگی نیاکان ما شکست می‌خورند زیرا زنان را در نظر نمی‌گیرند. به‌واقع برخی از زنان پیش از تاریخ مادر بودند، ولی شکارچیان، جنگجویان، ابزارسازان، رهبران و مادر بزرگ‌های توانمندی نیز بودند. هدف از چنین مطالعاتی تغییر کلیشه‌های جنسیتی از کار و فعالیت گذشتگان و مقابله با پارادایم زن - گردآورنده/مرد - شکارچی به سان تنها توضیح فعالیت‌های زنان و مردان در گذشته است. روش پژوهش در این نوشتار اسنادی است. نخست به مطالعه کار در دوره پارینه‌سنگی پرداخته و سپس درباره تقسیم کار بحث می‌کنیم. در ادامه شکار زنان را بررسی کرده و سپس برخی از نمونه‌های آن را با تکیه بر مطالعات قوم‌نگاری ذکر می‌کنیم. بر پایه پژوهش‌های قوم‌نگاری و همچنین یافته‌ها در محوطه‌های باستان‌شناسی به نظر می‌رسد که برخی از زنان جست‌وجوگر خوراک در حال حاضر و در گذشته نزدیک به شکار می‌پرداختند و با توجه به همه شواهد تقریباً به‌طور قطع در گذشته دور نیز شکار می‌کردند.

واژگان کلیدی: شکار، زنان، تقسیم کار، شکارگر - گردآورنده، پارینه‌سنگی، باستان‌شناسی.

مقدمه

در نظر گرفتن نقش‌های معیشتی مجزا برای زنان و مردان در جوامع جست‌وجوگر خوراک، یک الگوی دیرینه برای دامنه گسترده‌ای از رشته‌ها بوده است و شامل متون تأثیرگذاری مانند مرد شکارچی^۱ و زن گردآورنده^۲ (Anderson et al., 2023). این دیدگاه نشان می‌دهد که زنان بیشتر در فعالیت‌های فرزندپروری شرکت می‌کنند، که با سرعت آهسته گردآوری همسو است. چنین نقش‌های جنسیتی مخصوص به جنس در فعالیت‌های معیشتی معمولاً با ویژگی‌های جنسیتی شده دیگری تفسیر می‌شوند، مانند مردانی که کمتر احساسی و پرخاشگرترند، در حالی که زنان تمایل به نشان دادن رفتارهای تربیتی و علاقه متمرکز به کودکان دارند. از سویی دیگر، در یک جامعه پدرسالار، قدرت مردسالاری مفروضاتی را درباره سلسله‌مراتب خانوار پدید می‌آورد که مردان را بر تصمیم‌گیری مسلط می‌کند، کلیشه‌های مربوط به کار و مادری زنان را تحمیل می‌کند، و زنان را به شکل‌های کم‌میزان و با پاداش کم کار مولد سوق می‌دهد که آنها را از دسترسی به قدرت و اعتبار محروم می‌کند. این مدل‌ها پیشنهاد می‌کنند که زنان از مزیت نسبی ذاتی نسبت به مردان در تولید و مراقبت از کودکان برخوردارند، که شرایطی را تعیین می‌کند که منجر به تمایز در وظایف اقتصادی و خانگی می‌شود (Lacy and Ocobock, 2024).

با توجه به اینکه شواهد کمی برای تقسیم کار مبتنی بر جنسیت در دوران پارینه‌سنگی وجود دارد، استدلال‌ها برای تقسیم جنسی کار در تاریخ دور عمدتاً پشتیبانی نمی‌شود (Haas et al., 2020). مفروضات نقش‌های جنسیتی پژوهشگرانی که جهان‌بینی آنها در درون جوامع پدرسالار شکل گرفته نباید به عنوان سازمان اجتماعی پیش‌فرض برای مردمانی که صدهزار سال پیش یا بیشتر زندگی می‌کردند پذیرفته شود. همه جنس‌ها در گذشته به روند زندگی کمک می‌کرده‌اند. در اینجا بحث نمی‌کنیم مردان شکار نمی‌کردند. این انگاره را به چالش می‌کشیم که زنان شرکت نکرده‌اند، زیرا داده‌های زیستی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان در واقع به خوبی با فعالیت‌های استقامتی مانند شکار مداوم سازگار هستند. شایان ذکر است که اقتصادهای اولیه معیشتی که بر شکار طعمه‌های بزرگ تأکید داشتند، مشارکت همه افراد توانمند را تشویق می‌کردند. شکار جمعی، که به نظر می‌رسد ریشه‌های عمیق دگرگشتی نیز دارد، کمک زنان، مردان و کودکان را در شکار طعمه‌های بزرگ نیاز داشت. افزون بر این، فناوری اولیه شکار در آن زمان مشارکت گسترده در شکار طعمه‌های بزرگ را می‌طلبد (Lacy and Ocobock, 2024). زنان در جوامع جست‌وجوگر خوراک در سراسر جهان بدون توجه به وضعیت فرزندآوری در شکار شرکت می‌کردند (eg. Watanabe, 1968; Jarvenpa and Brumbach, 2006; Noss and Hewlett, 2001; Bliege Bird and Bird, 2008) و همچنان هم ادامه می‌دهند. داده‌های

¹. Man the Hunter

². Woman the Gatherer

در رابطه با تقسیم کار جنسی باید با استفاده از ساختارهای توضیحی مختلف مورد بازنگری قرار گیرند.

روش پژوهش

در این نوشتار، از مطالعات کتابخانه‌ای و یافته‌های محوطه‌های باستانی بهره می‌بریم. روش پژوهش اسنادی است. نخست به مطالعه کار در دوره پارینه‌سنگی پرداخته و سپس درباره تقسیم کار بحث می‌کنیم. در ادامه شکار زنان را بررسی کرده و تلاش خواهیم کرد تا اندازه‌ای به بحث و بررسی گزاره شکار زنان پردازیم. سپس برخی از نمونه‌های شکار زنان با تکیه بر مطالعات قوم‌نگاری را ذکر می‌کنیم.

کار در پارینه‌سنگی

تصویرهای مصور از زندگی انسان پارینه‌سنگی شاید به دیرینگی دانش ما از این موضوع باشد. بسیاری با تصاویر و نقاشی‌هایی با اندازه واقعی که دگرگشت انسان اولیه را در محیط‌های آموزشی و عمومی مدل‌سازی می‌کنند، آشنا هستند. این بازنمایی‌های بصری نوید بازسازی گذشته را برای ما می‌دهد. محیط، الگوهای رفتاری، فعالیت‌های کاری و روابط اجتماعی همه به نمایش گذاشته شده است. این صحنه‌های ترکیبی از زندگی پیش از تاریخ، به جای بازسازی گذشته واقعی، بازنمایی صحنه‌های فرضی یا خیالی از زندگی روزمره هستند (Gifford-Gonzalez, 1993). این تصاویر در جایی بین واقعیت و تخیل قرار می‌گیرند، واقع‌گرایانه، ولی با روایتی آشنا: مردان به عنوان شکارچیان سرسخت، با نیزه یا سلاح در دست

گردآوری شده درباره شکار زنان مستقیماً با دیدگاه سنتی که زنان منحصراً گردآوری، و مردان منحصراً شکار می‌کنند مخالف است و تنوع و انعطاف‌پذیری فرهنگ‌های معیشتی انسانی را بیشتر روشن می‌کند (eg. Lee, 1979). در این پژوهش به مطالعه و بازخوانی تقسیم کار در دوران پارینه‌سنگی و شکار زنان پرداخته می‌شود. در پی یافتن پاسخ برای این پرسش هستیم که آیا زنان نیز شکار می‌کردند؟ یا بایستی زنان را به‌طور کل از این حوزه به کناری نهاد و تقسیم جنسیتی کار را آن‌گونه که برخی انسان‌شناسان و باستان‌شناسان در گذشته و حال برای جوامع ابتدایی قائل بودند پذیرفت؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

مرد شکارچی یا انگاره شکار، بی‌شک یکی از تأثیرگذارترین مدل‌ها در گفتمان دگرگشت انسان در شکل‌دهی ایده‌های ما بوده است (Khorasani and Lee, 2020). بسیاری از پژوهشگران به طبیعی شدن تقسیم مبتنی بر جنسیت کار در گذشته دگرگشتی انسان پرداخته‌اند که زنان را به نقش‌های خاصی بر اساس زیست‌شناسی آنها محدود می‌کند. پژوهش‌های باستان‌شناسی اخیر الگو «مرد شکارچی» را با شواهدی مبنی بر شکار زنان در سراسر دودمان انسان به چالش کشیده است. کنارنهادن یک جنس از برخی حوزه‌ها که نقش مهمی در مسیر دگرگشت انسان داشته‌اند، به سان نادیده‌انگاری بخشی از تاریخ است. اگر بخواهیم در تلاش‌های معنادار برای آشکارکردن اهمیت نیاکان مادری‌مان شرکت کنیم، مدل‌های آینده نقش‌های زنان

برای کشتن طعمه خود و دفاع از خویشاوندانشان. مردان زمانی که شکار نمی‌کنند، نوآوری می‌کنند و ابزارهای مورد نیاز برای حل مشکلات خود را می‌سازند. زندگی سخت است، ولی آنها با سختی‌های خود روبه‌رو می‌شوند در حالی که سربلند ایستاده‌اند و همیشه با اراده به جلو می‌روند. در همین حال، زنان، اگر بتوانید آنها را ببینید، در پس‌زمینه هستند و هر کاری که زنان معمولاً انجام می‌دهند را انجام می‌دهند.

این تصور که جنسیت در تصاویر علمی با سوگیری مردمدارانه از نظر فرهنگی، بازتولید می‌شود نیز جدید نیست. مجموعه‌ای از ادبیات وجود دارد که به طبیعی‌سازی مشکل‌ساز تقسیم‌بندی‌های جنسیتی در برنامه‌های درسی و متون علمی و موزه‌ها می‌پردازد (Schiebinger, 1999). با اینکه اشکال آشکار مردمداری و بازنمایی بیش از حد مردانه در متون آموزشی رو به افول است زمانی که نقش‌های مرد و زن در دگرگشت انسان بازنویسی می‌شوند، روایت جریان اصلی دست‌نخورده باقی می‌ماند. غارنشینان کلیشه‌ای آلفا و زنان تابع همچنان بر تصاویر کتاب‌های درسی و موزه‌های تاریخ طبیعی تسلط دارند.

در انسان‌شناسی، جنبش به رسمیت‌شناختن بازنمایی‌های جنسیتی در تصاویر دگرگشتی در دهه ۱۹۸۰ با آدرین زیلمن آغاز شد، که توجه را به مفروضات مشکل‌ساز بازنمایی‌های زنان پیش از تاریخ جلب کرد و زمینه را برای بررسی انتقادی «چگونه زنان در بازسازی‌های دگرگشتی به تصویر کشیده شده‌اند»

(Zihlman, 1998:39) از طریق شمار زنان در سنجش با مردان، قرارداد این دو در تصویر (یعنی پیش‌زمینه در مقابل پس‌زمینه)، فعالیت‌های کاری آنها، وضعیت بدن، و پرسیدن اینکه آیا تقسیم کار جنسی به‌طور ضمنی وجود دارد یا خیر، به چالش کشید. پس از زیلمن، دیگر انسان‌شناسان مطالعات جامعی درباره بازنمایی جنسیت بصری در متون آموزشی و موزه‌ها انجام داده‌اند (Ballard, 2007; Moser, 1998; Sørensen, 1999; Wiber, 1997; as cited in Khorasani and Lee, 2020: 19). با این حال، مطالعه تصاویر دگرگشت انسان واقعاً با مقاله محوری گیفورد - گونزالس درباره زیست‌نماهای^۳ دگرگشت در سال ۱۹۹۳ گسترش یافت. گیفورد - گونزالس^۴ به تحلیل مجموعه‌ای از بازسازی‌های مصور انسان کرومانیون^۵ در کتاب‌های درسی و رسانه‌های چاپی که بسیار در دسترس هستند، پرداخت. او نمونه‌ای از هشتادوهشت تصویر هنری از زندگی اولیه انسان را که بین دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ خلق شده بود بررسی کرد و دریافت که از چهارصد و چهل و چهار فرد مورد بررسی (به استثنای بزرگسالان از نظر جنسیتی مبهم)، مردان نیمی از افراد را تشکیل می‌دهند، در حالی که زنان کمتر از یک چهارم بودند، و کودکان بقیه نمونه‌ها را تشکیل داده بودند. افزون بر این، هشتاد و چهار درصد از تصاویر مردانه بودند، ولی کمتر از نیمی شامل زنان بودند. می‌توان ادعا کرد که تصاویر انسان‌های پیش از تاریخ، خود روایت‌هایی از یک داستان دگرگشتی بسیار خاص

⁵. Cro-Magnon

³. Dioramas

⁴. Gifford-Gonzalez, D

تصویرهای دگرگشت انسان و هم کل فرآیند طبیعی‌سازی را دربر می‌گیرد که از طریق آن این کلیشه‌ها از وضعیت زنان، به عموم مردم نمایانده می‌شود. آیا چیزی از زمان نقد گیفورد - گونزالس (۱۹۹۳) از بازنمایی‌های اولیه انسان تغییر کرده است؟

تقسیم کار

با وجود یک تاریخ پر سر و صدا و بیش از پنجاه سال باستان‌شناسی فمینیستی، هنوز شواهدی از زنان و کودکان و فعالیت‌های آنها در گذشته در ادبیات دیرین‌انسان‌شناسی و باستان‌شناسی پیش از تاریخ به‌طور مکرر نادیده گرفته می‌شود یا فراموش می‌شود. این تصویر رایج نادرست که در کتاب‌های درسی انسان‌شناسی و باستان‌شناسی ارائه می‌شود؛ مردان دوره پلیستوسن^۶ را به عنوان شخصیت‌های اصلی به تصویر می‌کشد و شکار - به ویژه شکار فقط مردانه - به عنوان رفتاری که انسان‌ها را از دیگر نخستین‌ها^۷ متمایز می‌کند، تجلیل می‌شود (Gifford-Gonzalez, 1993). بررسی‌ها نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی و تصاویر موزه‌ها در درازای زمان بیشتر به سمت محور قراردادن مردان گرایش داشته‌اند (Khorasani and Lee, 2020; Solometo and Moss, 2013; as cited in Lacy and Ocobock, 2024)، این تصاویر «مرد [قهرمان] شکارچی» و «زن [در پیش‌زمینه] گردآورنده» را به چهره‌های عمومی دیرینه‌انسان‌شناسی تبدیل کرده است.

هستند. این درباره تصاویر در بررسی گیفورد - گونزالس صادق است، جایی که او تمایل زیادی به بازنمایی زندگی پارینه‌سنگی در کلیشه‌های جنسیتی کلاسیک «غربی» و ژانرهای هنری یافت. این گونه‌های جنسیتی شامل بازنمایی مغرضانه از زنان به عنوان مراقبان طبیعی، مادران، و کارکنان خانگی بود که تداعی‌کننده تصویر از یک خدمتکار در قرن هجدهم بود. این پیش‌برداشت‌ها درباره موقعیت زن، هم توسط هنرمند و هم پژوهشگر، منجر به این شد که زنان پیش از تاریخ به جای پیش‌زمینه اصلی، در پس‌زمینه بازنمایی‌ها قرار بگیرند. گیفورد - گونزالس استدلال کرد که تصاویر، زنان پیش از تاریخ را به عنوان افرادی بدوی و خسته‌کننده برای فناوری‌های آشکارا «مردانه» (یعنی نیزه‌ها، سلاح‌ها) و دستاوردهای دگرگشتی مردان رمزگذاری می‌کنند. برخلاف زنان، مردان اغلب در حالت ایستاده یا انجام فعالیت‌هایی که شامل حرکت دادن بدنشان بود، مانند شکار یا پرتاب نیزه نشان داده می‌شدند. زنان، کودکان و سالمندان هرگز در این موقعیت‌ها یافت نشدند. سالمندان و کودکان، مانند زنان، در حاشیه نمایش هنرمندان قرار می‌گرفتند، همان‌طور که ویژگی این ژانر بود. قراردادهای هنری در دگرگشت انسان که توسط گیفورد - گونزالس شناسایی شده است، اکنون به عنوان بخشی از الگوی بزرگتر سوگیری جنسیتی در تصاویر علمی شناخته شده است (Wiber, 1997). نتایج پژوهش او هم

7. Primates

^۶ Pleistocene: نام دوره‌ای زمین‌شناسی از حدود دومیلیون و پانصد هزار تا یازده هزار و هفتصد سال پیش.

تقریباً در هر جامعه (غیرصنعتی) بر اساس نمونه‌های قوم‌نگاری (Murdock and Provost, 1973; as cited) شکار حیوانات بزرگ، فلزکاری و بریدن درختان عمدتاً در حوزه کاری مردان هستند؛ بررسی‌های مربوط به مشاغل کارگری در کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که این آمار تغییر چندانی نکرده است. بر اساس آمار کار، چوب‌برها (۸,۵ درصد زن در ایالات متحده در سال ۲۰۱۰)، فلزکاران (۱۵,۲ درصد زن) و ماهیگیران، شکارچیان و تله‌گذاران (۱۲,۵ درصد زن) عمدتاً مرد هستند. آشپزی و کارهای خانگی و مراقبت از کودکان در جوامع غیرصنعتی عمدتاً توسط زنان انجام می‌شود، و بیشتر بررسی‌ها در کشورهای صنعتی نیز نشان می‌دهد که کار خانگی عمدتاً زنانه است: زنان شاغل حدود هفتاد درصد کار خانگی را انجام می‌دهند و زنان بیکار بیش از هشتاد درصد را انجام می‌دهند. با این حال، برخی از فعالیت‌ها تحت سلطه یک جنس نیستند: کار با ماشین‌بافندگی، شیردوشی حیوانات اهلی و شکار حیوانات کوچک که در برخی از مناطق جهان عمدتاً تحت تسلط مردان هستند و در مناطق دیگر در سلطه زنان. بسیاری از انواع دیگر کار در جامعه به‌طور مساوی تقسیم می‌شوند: مردان و زنان اغلب در کار باغداری، کشاورزی و دامداری سهیم هستند (Bird and Codding, 2015).

تداوم انگاره «مرد پیش از تاریخ شکارچی» کاربرد نادرست پژوهش‌ها در زندگی شکارگر - گردآورندگان مدرن در گذشته را نشان می‌دهد: شکارگر - گردآورندگان مدرن سنگواره‌های زنده نیستند. ساختارهای اجتماعی آنها در درازای زمان تکامل یافته و تحت تأثیر همسایگان کشاورز/دامدار خود قرار گرفته و از سویی با نگاه و دید پژوهشگرانی که در جوامع پدرسالار و استعماری زندگی می‌کرده‌اند، تفسیر شده است (Wilmsen et al., 1990). به‌ویژه در دوران اوج قوم‌نگاری‌های شکارگر-گردآورندگان در قرن گذشته، پژوهشگران عمدتاً مرد بودند و لزوماً دسترسی به فضاهای زنانه نداشتند یا تمایلی به دسترسی به فضاهای زنانه نداشتند یا به دلیل سوگیری‌هایشان نمی‌توانستند کار زنان را به‌درستی تفسیر کنند (Owen, 2005). همچنین، این دیدگاه از گذشته محصول فرضیات دیرینه مبنی بر اینکه مردان از بسیاری جهات از نظر جسمی برتر از زنان هستند و بنابراین به‌طور طبیعی شکارچی هستند، ایده‌های مورد استفاده برای پشتیبانی از انگاره شکار فقط مردانه، از روش‌های توصیف دست‌افزار سنگی گرفته تا تفاسیر ساخته‌شده از هنر اولیه و پرسش‌هایی که درباره تفاوت‌های جنسی درباره آناتومی انسان‌نماها^۸ پرسیده می‌شود را شامل می‌شود (Lacy and Ocobock, 2024).

^۸ نیش در آنها کاهش یافته و حجم مغزشان به نسبت بزرگ بوده است) و پَن‌ها (شامپانزه‌ها و بونوبوها) در نظر گرفت.

^۸ Hominin: در تعریف می‌توان انسان‌نماها را مجموعه‌ای شامل بر انسان‌ریخت‌ها (شامل انسان امروزی و همه‌ی نخستین‌های منقرض‌شده‌ای که توانایی راه‌رفتن روی دو پا را به صورت عادت دارا بوده‌اند، اندازه‌ی دندان

مرد نبود، بلکه بین فعالان حقوق حیوانات بود که از «موجودات خوش مزه مزرعه» محافظت می‌کردند، و کسانی که «فقط دوست دارند حیوانات را بکشند» (Sergel, 1948). در واقع، مشارکت زنان در شکار در آن زمان آشکارا تشویق می‌شد و حتی گفته می‌شد که این ورزش را تقویت می‌کنند و آن را «محترم‌تر» می‌کنند. در آن زمان، شکار ورزشی زنان سازه‌های «زنانگی یا خانگی» پس از جنگ را به چالش نمی‌کشید، و به روشنی با مبارزات بزرگ‌تری برای حقوق اجتماعی یا مدنی مرتبط نبود (Smalley, 2005:183,189). تنها بعدها، در دهه ۱۹۵۰ بود که سیاست آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به سمت گفتمان مسلط‌تر مردانه حرکت کرد که به دنبال حذف زنان از محل کار و کارخانه‌ها بود. عواقب پس از جنگ جهانی دوم با ایجاد ساختار جدید و تهاجمی از مردانگی مصادف شد (Haraway, 1989; Stange, 1997; as cited in) (Khorasani and Lee, 2020: 29). نشریات شکار آن زمان این تغییر را منعکس کردند، زیرا شکار ورزشی به آشکارا با فرمول‌بندی‌های پس از جنگ با مردانگی طبقه متوسط مرتبط شد که «حول محور نظامی‌گری و پیوندهای عاطفی نزدیک بین مردان می‌چرخید». نویسندگان مجلاتی مانند فیلد اند استریم ناگهان آغاز به دفاع از شکار با عبارات جنسیتی مخصوص کردند و اعلام کردند که زنان احتمالاً نمی‌توانند معانی فرهنگی عمیق‌تر و پیوندهایی را که مردان از شکار با

آیا «مرد شکارچی» (۱۹۶۸) مقصر ایده‌های ما درباره تقسیم کار در دوران پارینه‌سنگی است؟ پیش از دهه ۱۹۵۰ در آمریکا، برداشت عمومی از شکار توسط زنان و مردان به عنوان یک فعالیت تفریحی طبقه بالای جامعه، خارج از هر زمینه اجتماعی گسترده‌تر یا سیاست جنسیتی بود. برای نمونه، در سال ۱۹۴۸ مجله ورزشی اوت‌دور لایف^۹ دفاعی نسبتاً شدید از شکار را منتشر کرد (Smalley, 2005:183)، تصویری که در سراسر صفحه پخش شد: دختری جوان با خوک‌های بامزه بود. نام او کریستین سرگل^{۱۰} بود و استدلال او؛ طرح یک مورد برای شکار تفریحی، جدید نبود. مجلات ورزشی و شکار آمریکایی مانند فیلد اند استریم^{۱۱}، فورست اند استریم^{۱۲} و اوت‌دور لایف دست‌کم از اواخر قرن نوزدهم از کشتار حیوانات وحشی علیه فعالان حقوق حیوانات دفاع می‌کردند (Smalley, 2005; Stange, 1997; as cited in) (Khorasani and Lee, 2020: 28). آنچه قابل توجه بود، به گفته مورخ آندریا ال. اسمالی^{۱۳}، فقدان محتوای جنسیتی در استدلال سرگل بود، جایی که پرسش‌های مربوط به مشارکت زنان در شکار (آیا زنان می‌توانند شکار کنند؟ آیا زنان باید شکار کنند؟) جایی در دفاع او از شکار نداشت. در واقع، سرگل یکی از بسیار زنانی بود که در نشریات شکار از حق تفریحی خود برای کشتن حیوانات برای ورزش دفاع می‌کرد. برای این زنان شکارچی اواسط قرن، تقسیم در شکار بین زن و

¹². Forest and Stream

¹³. Andrea L. Smalley

⁹. Outdoor Life

¹⁰. Kristin Sergel

¹¹. Field and Stream

داده‌هایی که از وجود شکارچیان زن پشتیبانی می‌کند، مهارت‌ها و شیوه‌های خاصی در جوامع جست‌وجوگر، به زنان اجازه می‌دهد تا شکارچیان موفق‌تری باشند. از شصت و سه جامعه جست‌وجوگر با توصیف روشنی از راهبردهای شکار، هفتادونه درصد آنها شکار زنان را نشان دادند. حضور گسترده شکار زنان نشان می‌دهد که آنها نقش مهمی در شکار بازی می‌کنند و زنان به‌طور نامتناسبی در کل کالری دریافتی بسیاری از گروه‌های جست‌وجوگر نقش دارند (Waguespack, 2005; Noss and Hewlett, 2001; New et al., 2007; Berbesque and Marlowe, 2009; as cited in Anderson et al., 2023). افزون بر این، بیش از هفتاد درصد از شکارهایی که توسط زنان انجام می‌شود به عنوان خودخواسته و آگاهانه تعبیر می‌شود، به این معنی که زنان نقش فعال و مهمی در شکار و آموزش شکار- دارند، حتی اگر از ابزارهای مختلف استفاده کنند و راهبردهای مختلف را به کار گیرند. برای نمونه، در میان آکاها،^{۱۴} شرکت زنان در شکار تور الزامی بود، در حالی که مشارکت مردان الزامی نبود (Noss and Hewlett, 2001).

آیا شکار واقعاً یک فعالیت منحصر به مردان بوده است؟ بسیاری تصور می‌کردند که باروری و ضعف جسمانی باید زنان را از شرکت در گردهمایی‌های شکار پیش از تاریخ باز داشته باشد و نخستین تقسیم کار در تاریخ بشریت را آغاز کرده باشد (Watanabe, 1968). نمونه‌های قوم‌نگاری جوامع شکارگر-گردآورنده که در آن مردان شکار می‌کنند، اغلب برای پشتیبانی از تقسیم

هم به دست می‌آورند را درک کنند. شکار واقعی به معنای واقعی کلمه یک شبه به یک «اجرای مردانه» برای مردان تبدیل شد. ضدیت مردان پس از جنگ جهانی دوم نسبت به شکار زنان در بافت جامعه غربی تثبیت شد و تصویر رایج پس از جنگ از شکار به عنوان یک فعالیت اساساً مردانه تا به امروز حاکم شد. دیرینه انسان‌شناس‌ها این مدل را بر اساس روایت‌های قوم‌نگاری مشکوک و اتهامات درباره عملکرد بدن زنان که در دوران پس از جنگ آمریکا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بنا شده بود، پدید آوردند. از این نظر، شکار شاید یک لنز منحصربه‌فرد است که از طریق آن می‌توانیم ببینیم که چگونه سوگیری مردانه و زمینه تاریخی می‌توانند با هم کار کنند تا گذشته‌ای را بسازند که نه دقیق است و نه مطلوب (Smalley, 2005).

در یک گفتمان انسان‌شناختی، هر بحثی درباره گذشته دگرگشتی ما در نهایت منجر به مدل «مرد شکارچی» می‌شود. این تنها یک مدل درباره مردان و شکار نیست، بلکه داستانی است که به ما می‌گوید که ما چگونه گذشته را تصور می‌کنیم و برای زنان پیش از تاریخ ارزش قائل هستیم. ما باید گفتمان خود را به گونه‌ای گسترش دهیم که به جای دیدگاه ایستا از تقسیم کار، تنوع نقش‌های جنسیتی را دربر گیرد.

بررسی شکار زنان

رواج داده‌های مربوط به شکار زنان مستقیماً با این باور رایج که زنان منحصراً گردآوری می‌کنند در حالی که مردان منحصراً شکار می‌کنند، مخالف است. بر اساس

¹⁴. Aka

از یک بحث درباره کار بود، این یک طرد از خود داستان دگرگشت انسان بود.

زیست‌شناسی به عنوان نیروی محرکه تقسیم کار جنسی در پیش از تاریخ مورد توجه قرار می‌گرفت. زنان به دلیل ماهیت کم‌تحرک و کمتر تهاجمیشان، نیازهای مراقبت از کودکان، زیست‌شناسی و جسم ضعیف‌تر، حتی بوی بدن زنانه، به عنوان یک ناتوان در شکار پیش از تاریخ در نظر گرفته می‌شدند (Dobkin de Rios, 1976; Hayden, 1981; Tiger, 1969; as cited in Khorasani and Lee, 2020: 26). با این همه مخالفت با زنان -بوی آنها، احساسات آنها، ضعف بدنی آنها، مسئولیت‌های والدینی آنها، و غیره- جای تعجب نیست که زنی که شکار نمی‌کند یک امر اجتناب‌ناپذیر دگرگشتی به نظر می‌رسد (Brightman, 1996). قابل ذکر است، این استدلال‌ها شواهد تجربی کمی را ذکر می‌کردند.

اگر گردآوری واقعاً کالری دریافتی بسیار بالاتر و مطمئن‌تری نسبت به شکار به همراه داشت (Dahlberg, 1981)، زنان گردآورنده تأمین‌کننده آن بودند. پس اصلاً چرا شکار کنیم؟ برای پاسخ به این پرسش، هاکس و بلیج برد^{۱۵} استدلال کردند که مردان برای نشان‌دادن وضعیت اجتماعی خود با به اشتراک گذاشتن گوشت، یک کالای بالقوه کمیاب، به‌طور عمومی و گسترده در جوامع شکار می‌کردند و شکار تبدیل به یک عمل فرهنگی شده بود و نه زیستی. ولی اگر شکار دیگر مبنای زیستی دگرگشت انسان

کار در دگرگشت انسان استفاده می‌شوند. مطالعات اولیه، مانند نمونه‌گیری قوم‌نگاری مرداک از دو بیست و بیست و چهار جامعه در سال ۱۹۳۷، به این نتیجه رسیدند که شکار به دلیل برتری فیزیکی یک فعالیت منحصرراً مردانه است (Murdock, 1937). مرداک استدلال کرد که مردان با «قدرت بدنی برترشان» «برای شکار، ماهیگیری، گله‌داری و تجارت» مناسب‌تر هستند، در حالی که زنان به دلیل «بارداری و شیردهی» ناتوان هستند (Hayden, 1981:403; Murdock, 1949:7; as cited in Khorasani and Lee, 2020: 25). بدون شواهدی از گذشته برای تعیین نقش‌های اجتماعی، انسان‌شناسان از قوم‌نگاری‌های اوایل قرن بیستم برای فرمول‌بندی یک مدل دگرگشتی کلی از سازمان اجتماعی و منشأ انسانی استفاده کردند که فرض می‌کرد تنها مردان می‌بایستی شکار کرده باشند (Bodenhorn, 1990)، این فرض همچنین محور مدل «مرد شکارچی» را تشکیل می‌داد که منشأ دگرگشت انسان را با شیوه‌های شکار مردان پیش از تاریخ مرتبط می‌کرد و شکار را به عنوان یکی از «پایدارترین ویژگی‌های مردانگی» می‌دانست (Smalley, 2005:184). تفاوت‌های جنسی در روان‌شناسی و فیزیولوژی، همراه با تابوهای اجتماعی، برای توضیح تقسیم کار کافی در نظر گرفته می‌شد و به نبود جامعه‌ای اشاره می‌کرد که در آن شکار شغل عادی زنان بوده (Watanabe, 1968). با در نظر گرفتن اولویت شکار در دگرگشت انسان، محرومیت زنان از شکار چیزی بیش

¹⁵. Hawkes and Bliege Bird, 2002

خونریزی قاعدگی دارند و بو می‌دهند (Lee and Devore, 1968). زنان و مردان آگتا زمان مساوی را صرف شکار می‌کنند، شکارچیان زن با بچه هیچ تأثیر منفی‌ای بر موفقیت شکار خود یا مرگ‌ومیر کودکان نمی‌بینند، و زنان در حین قاعدگی و حمل نوزادان شیری نیز شکار می‌کنند (Estioko-Griffin, 1985; Goodman et al., 1985; as cited in Lacy and Ocobock, 2024). اگرچه ما این را به عنوان یک رویه رایج در میان جست‌وجوگران خوراک اخیر نمی‌بینیم، ولی این ایده را به چالش می‌کشد که تولیدمثل زنان ذاتاً آنها را برای شکار نامناسب می‌کند. برخی از زنان جست‌وجوگران خوراک در حال حاضر و در گذشته نزدیک به شکار پرداخته و با توجه به همه شواهد، تقریباً به‌عین در گذشته دور نیز شکار می‌کردند (Lacy and Ocobock, 2024).

بسیاری بر اساس مفروضاتی مبنی بر جهانی بودن نقش‌های جنسیتی مدرن ادعاهای جسورانه‌ای داشته‌اند و این نقش‌ها را به گذشته‌های دور نیز تعمیم داده‌اند. اگر امروزه تخصیص نیروی کار چنین است، به این معنی نیست که در گذشته نیز چنین بوده است. ما باید شکل‌گیری‌های قابل تغییر و منعطف‌تری را برای تقسیم کار جنسی در میان انسان‌های پیش از خودمان در نظر بگیریم که البته ممکن است از دامنه تنوع نمایش داده‌شده توسط شکارگر-گردآورندگان معاصر فراتر رود.

نبود، پس نقش شکار در دگرگشت انسان چه بود؟ مهم‌تر از آن، چرا زنان شکار نمی‌کردند، در صورتی که دیگر بحث زیست‌شناسی مطرح نبود؟ در واقع، زنان شکار می‌کردند، اگرچه مطالعات سیستماتیک درباره مشارکت زنان در شکار بسیار اندک بوده است. خوشبختانه، شواهد قوم‌نگاری گردآوری‌شده از دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که زنان مشارکت قابل توجهی در فعالیت‌های شکار داشته‌اند، که نشان می‌دهد این حوزه سزاوار توجه بیشتر پژوهشگران است (Khorasani and Lee, 2020: 26). برای نمونه، زنان آینو^{۱۶} شمال شرقی آسیا، طعمه‌های بزرگ را با کمک سگ‌ها شکار می‌کردند (Watanabe, 1968)، زنان ماتسس آمازونی^{۱۷} با شوهران خود شکار می‌کنند و گوشت بیشتری را نسبت به شکارچیان مرد منفرد به خانه می‌آورند (Romanoff, 1983).

اندرسون و همکارانش بر این نظر هستند که هفتادونه درصد از نوشته‌های فرهنگ‌های اخیر جست‌وجوگران خوراک دارای توصیفات از شکار زنان است. همچنین، بیشتر شکار عمده مستند شده بود (هشتادوهفت درصد فرهنگ‌ها با توصیف شکار زنان) و نه فرصت‌طلبانه (Anderson et al., 2023; as cited in Lacy and Ocobock, 2024). تجارب زنان از شکار در میان آگتاها^{۱۸} فیلیپین زمانی که با استدلال‌هایی برای اینکه چرا زنان در دوران پارینه‌سنگی شکار نمی‌کردند ارائه می‌شود، بسیار حیاتی است: اینکه آنها نیاز به شیردادن مکرر و حمل بچه دارند، و به‌طور منظم

18. Agta

16. Ainu

17. Amazonian Matses women

نمونه‌هایی از شکار زنان

یکی از برجسته‌ترین اکتشافات اخیر یک خاک‌سپاری نه‌هزار ساله است که در منطقه کوهستانی آند ویلامایا پاتجکسا^{۱۹} در پرو قرار دارد. خاک‌سپاری شامل زنی بالغ در کنار جعبه ابزار شکار متشکل از پرتابه‌های سنگی و همچنین تجهیزات پردازش حیوانات بود (Haas et al., 2020). معمولاً پژوهشگران فرض می‌کنند که پرتابه‌های سنگی که در کنار مردها دفن شده‌اند، ابزار شکار هستند، ولی زمانی که پرتابه‌ها با زنان مرتبط می‌شوند، کمتر بر این نظر هستند. هاس و همکارانش در بررسی خود از خاک‌سپاری‌ها در قاره آمریکا از اواخر پلیستوسن تا اوایل دوره هولوسن^{۲۰} یازده زن را از ده محوطه شناسایی کردند که با ابزارهای شکار برای طعمه‌های بزرگ مرتبط بودند. هاس و همکارانش با استفاده از تجزیه و تحلیل نشان دادند که زنان تا پنجاه درصد شکارچیان طعمه‌های بزرگ قاره آمریکا را در پیش از تاریخ تشکیل می‌دادند.

افزون بر ابزارهایی که عموماً با شکار طعمه‌های بزرگ با مردها مرتبط می‌شود، ابزارهای مرتبط با جنگ نیز همواره پنداشته می‌شود که با خاک‌سپاری مردان همراه است (Doucette, 2001). در سال ۲۰۱۷، یک خاک‌سپاری در سوئد فردی را در کنار سلاح‌ها و تجهیزات مرتبط با جنگجویان وایکینگ^{۲۱} رده بالا نشان داد (Hedenstierna-Jonson, 2017). با توجه به تفسیر تاریخی شیوع جنگجویان مرد، فرد مذکر پنداشته

شد، ولی ژنوم مؤنث بودن آن فرد را تأیید کرد. افزون بر این، باستان‌شناسان یک محوطه خاک‌سپاری دوهزاروپانصد ساله را کشف کردند که دارای چهار زن مرتبط با سلاح و تجهیزات جنگی بود. سن زنان از دوازده یا سیزده سال تا چهل تا پنجاه سال متغیر بود و باور بر این بود که بخشی از گروه عشایری موسوم به سکاکا^{۲۲} بوده‌اند. زنان سکاکا در فرهنگ خود جنگجو بودند، به طوری که یک‌سوم زنان این جامعه با سلاح به خاک سپرده می‌شدند (Guliaev, 2003).

ابزار مورد استفاده توسط زنان آگتا از فیلیپین در سنجش با مردان آگتا تفاوت قابل توجهی دارد. در حالی که مردان آگتا به شدت بر راهبرد تیر و کمان تکیه می‌کنند، زنان به احتمال زیاد ترجیحات شخصی دارند و تنوع نشان می‌دهند. برخی از زنان شکار را تنها با چاقو ترجیح می‌دهند، شمار کمی از زنان از تیر و کمان استفاده می‌کنند و برخی دیگر از ترکیب این دو استفاده می‌کنند (Estioko-Griffin, 1985). در میان آکاها نیز زنان انعطاف‌پذیر هستند، تور و همچنین نیزه، قمه و کمان حمل می‌کنند (Noss and Hewlett, 2001).

افزون بر انتخاب سلاح، زنان در سنجش با مردان از انعطاف‌پذیری بیشتری در راهبردهای شکار برخوردارند. برای نمونه، زنان با شرکای مختلفی شکار می‌کنند، از جمله شوهران، دیگر زنان، کودکان، سگ‌ها و همچنین شکار به تنهایی (Goodman et al., 1985). در مقابل، مردان عمدتاً به تنهایی، با یک شریک

21. Viking

22. Scythians

19. Wilamaya Patjxa

20. Holocene: نام آخرین دوره زمین‌شناسی است که در پایان پلیستوسن آغاز و همچنان تا به امروز ادامه دارد.

جمعیت این است که در بین امبوتی‌ها، زنان معمولاً شکار را از مخفیگاه بیرون می‌کشند، در حالی که در بین آکاها، زنان معمولاً شکار را می‌گیرند (Noss and Hewlett, 2001). زنان ایک و جو/هون^{۲۵} با ردیابی در شکار شرکت می‌کنند. زنان پرویی ماتسس^{۲۶} به‌طور فعال با شوهران خود شکار می‌کنند تا بازده کلی شکار را افزایش دهند (Romanoff, 1983).

داده‌هایی که به‌روشنی اشاره می‌کنند که نوزادان در حین شکار حمل می‌شوند، برای آکا (Hewlett et al., 2011) و آوا^{۲۷} (Politis et al., 2013) و همچنین برای جست‌وجوی خوراکی که ممکن است منجر به شکار فرصت‌طلبانه شود (برای نمونه، در میان باتک^{۲۸} (Lye, 1997) و نوکاک^{۲۹} (Politis, 2007) وجود دارد). در میان هادزا^{۳۰} و آکا، کودکان (احتمالاً در سن سه سالگی) بزرگسالان را در بیش از پانزده درصد از سفرهای شکار همراهی می‌کنند (Lew-Levy et al., 2019). این ایده که مراقبت از کودکان مانع زنان می‌شود و بنابراین نمی‌توانند شکار کنند، حوزه‌ای است که در آن با افزایش گردآوری داده‌ها و تفسیر دقیق به درک درست ما کمک می‌کند.

زنان اغلب گوزن را در میان آگتا و آینو، و گوزن آمریکای شمالی^{۳۱} را در میان چیپ‌ویان^{۳۲} شکار می‌کنند (Jarvenpa and Brumbach, 2006)، زنان آفریقای مرکزی برای غزال کوچک آفریقایی شکار می‌کنند

(همسرشان)، یا با یک سگ شکار می‌کنند (Lee, 1979; Binford, 2001; as cited in Anderson et al., 2023). در میان آگتا، زنان ممکن است به صورت گروهی شکار کنند، و تا حد زیادی در طول روز شکار کنند، اگرچه ممکن است بدون همراه نیز شکار کنند. مردان آگتا اگر در شب در جنگل شکار می‌کنند، عمدتاً به تنهایی یا با یک نفر دیگر شکار می‌کنند. افزون بر این، سگ‌ها برای شکارچیان زن آگتا مهم هستند، در حالی که مردان معمولاً تنها در هنگام شکار در کنار زنان، با سگ‌ها همراه می‌شوند؛ شمار سگ‌های موجود عاملی حیاتی در تعیین فراوانی شکارچیان زن آگتا است که در آن دست‌کم سه سگ بالغ برای موفقیت معمول هستند (Estioko-Griffin, 1985). در میان آکا، اندازه تور شکار و دامنه سفر می‌تواند به چیز دیگری که زنان حمل می‌کنند بستگی داشته باشد؛ اینکه آیا کودکی در آنجا حضور دارد یا خیر، و آیا آنها یک سبد دارند یا خیر (Noss and Hewlett, 2001).

همان‌طور که بر اساس ابزار و تکنیک انتظار می‌رود، ممکن است زنان برای حیوانات خاصی تخصص داشته باشند. زنان آمریکایی کری^{۲۳} به تنهایی و به صورت گروهی حیوانات خردار را شکار می‌کنند (Brightman, 1996). افزون بر این، زنان امبوتی^{۲۴} از کنگو با استفاده از تور شکار می‌کنند، و زنان آکا نیز با استفاده از تور شکار می‌کنند، بیش از مردانی که با استفاده از تور شکار می‌کنند. تفاوت بین این دو

28. Batek

29. Nukak

30. Hadza

31. Caribou

32. Chipewyan

23. American Cree women

24. Mbuti

25. Ache' and Ju/'hoan women

26. Peruvian Matses

27. Awa

زندگی است. زمانی که تخصص در تولید اقتصادی یا معیشتی بر اساس جنسیت متمایز می‌شود، معمولاً به عنوان تقسیم کار جنسیتی نامیده می‌شود.

ایزاک و سپس تر لاجوی^{۳۶} (۱۹۸۱) استدلال کردند که نقش‌های اقتصادی متمایز برای مردان و زنان برای نخستین بار در اواخر پلیوسن^{۳۷} آشکار شده. بیشتر پژوهشگران در حال حاضر این ایده را رد می‌کنند که یک تقسیم جنسیتی شده کار در پلیوسن پدید آمده، دست‌کم نه به شکل مدرن آن.^{۳۸} اگرچه تقسیم کار اقتصادی بر اساس جنسیت و سن یکی از ویژگی‌های بارز شرایط اخیر بشر است، ولی هنوز نمی‌دانیم چه زمانی و چگونه به وجود آمده. انگاره‌های مربوط به تمایز فعالیت‌های مرتبط با جنسیت در بین انسان‌نماهای پلیوسن قطعاً مستلزم بررسی ادامه‌دار است. با این حال، برخلاف نظر ایزاک و لاجوی، به نظر می‌رسد که الگوهای معمول تقسیم کار نسبتاً دیر در تاریخ دگرگشت انسان آشکار شده‌اند. برای نمونه، با توجه به اوراسیا، سوابق باستان‌شناسی نئاندرتال‌ها^{۳۹} شواهد کمی برای انواع نقش‌های اقتصادی متمایز که معمولاً توسط زنان در گروه‌های شکارچی - گردآورنده اخیر انجام می‌شود، نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که

(Noss and Hewlett, 2001)، در حالی که زنان بومی استرالیایی گوشت مارمولک‌ها و گربه‌ها را تهیه می‌کنند (Bliege Bird and Bird, 2008) و شکار جمعی مختلط برای خرگوش در بین شوشون‌ها^{۳۳} رایج بود (Steward, 1938; as cited in Bird and Codding,) (2015). زنان ایک، برای حمایت از سفرهای شکار مردان کار می‌کنند و گهگاه با همسرانشان در به دست آوردن آرمادیلو^{۳۴} (زره‌دوز) همکاری می‌کنند (Hurtado et al., 1985)، زنان کونگ^{۳۵} ممکن است به شکارچیان در ردیابی طعمه کمک کنند و به‌ندرت خودشان آن را به دست می‌آورند (Biesele and Barclay, 2001). با این حال، حتی در جایی که زنان شکارچی فعال نیستند، کار و مهارت آنها اغلب برای آماده‌کردن شکار و پردازش صید به غذا، لباس و مواد دیگر حیاتی است (Jarvenpa and Brumbach,) (2006).

نتیجه‌گیری

در تاریخ دیرینه‌انسان‌شناسی، نسل‌هایی از پژوهشگران نقش زنان را در شکل‌دهی به تکامل بشریت تفسیر و تصور کرده‌اند. بسیاری از این ادبیات درباره زنان پیش از تاریخ بر ناهمسانی‌های زیستی بین زن و مرد متمرکز بوده است که به نوبه خود مستلزم راهبردهای مختلف

^{۳۷}. Pliocene: دوره‌ای در مقیاس زمانی زمین‌شناسی است که از پنج میلیون و سیصد و سی هزار سال پیش تا دو میلیون و پانصد و شصت هزار سال پیش ادامه داشته‌است.

^{۳۸}. (see Kuhn and Sarther 2000; McBrearty and Moniz 1991; Rose and Marshall 1996; O'Connell et al. 2002; Wrangham et al. 1999)

^{۳۹}. *Neanderthals*

^{۳۳}. Shoshone

^{۳۴}. Armadillo

^{۳۵}. Kung

^{۳۶}. Isaac, G. (1978). The food-sharing behavior of protohuman hominids. *Scientific american*, 238(4), 90-109./Lovejoy, C. O. (1981). The origin of man. *Science*, 211(4480), 341-350.

hunter-gatherers. *Evolutionary Psychology*, 7(4), 147470490900700409.

Biesele, M., & Barclay, S. (2001). Ju/'hoan women's tracking knowledge and its contribution to their husbands' hunting success. *African study monographs. Supplementary issue.*, 26, 67-84.

Binford, L. R. (2001). *Constructing frames of reference: an analytical method for archaeological theory building using ethnographic and environmental data sets.* University of California Press.

Bird, R. B., & Codding, B. F. (2015). The sexual division of labor. *Emerging trends in the social and behavioral sciences: An interdisciplinary, searchable, and linkable resource*, 1-16.

Bliege Bird, R., & Bird, D. W. (2008). Why women hunt: risk and contemporary foraging in a Western Desert aboriginal community. *Current Anthropology*, 49(4), 655-693.

Bodenhorn, B. (1990). "I'm Not the Great Hunter, My Wife Is": Iñupiat and anthropological models of gender. *Études/Inuit/Studies*, 55-74.

Brightman, R. (1996). The sexual division of foraging labor: Biology, taboo, and gender politics. *Comparative studies in society and history*, 38(4), 687-729.

Dahlberg, F. (Ed.). (1981). *Women the gatherer.* Yale University Press.

Dobkin de Rios, M. (1976). Female Odors and the Origin of the Sexual Division of Labor in Homo sapiens. *Human Ecology*, 4, 261-262.

Doucette, D. L. (2001). Decoding the gender bias: inferences of atlatls in female mortuary contexts. *Gender and the Archaeology of Death*, 119-135.

Estioko-Griffin, A. A. (1985). Women as hunters: The case of an eastern Cagayan Agta group. *The Agta of northeastern Luzon: recent studies*, 18-32.

مردان، زنان و نوجوانان نئاندرتال به طور یکسان در دامنه محدودی از فعالیت های اقتصادی شرکت داشتند. در تلاش برای پژوهشی مبتنی بر شواهد درباره نقش های زنان در درازای دگرگشت، به جای در نظر گرفتن فعالیت های زنان به سان غیرقابل توجه یا ثابت، باید از استفاده غیرانتقادی از روایت های جنسیتی که دارای شایستگی علمی واقعی نیستند، دوری کنیم. زنان در جوامع جست و جوگر خوراک در سراسر جهان در دوره های زمانی اخیر در شکار شرکت می کنند. بر اساس داده هایی که از وجود شکارچیان زن پشتیبانی می کند، مهارت ها و شیوه های خاصی در جوامع جست و جوگر به زنان اجازه می دهد تا شکارچیان موفق باشند. در واقع رواج داده های مربوط به شکار زنان به طور ضمنی با باور رایج تقسیم کار جنسی «شکارچی - گردآورنده» مخالف است. از آنجا که انگاره مرد شکارچی / زن گردآورنده از به رسمیت شناختن مشارکت زنان در شکار جلوگیری کرده است، یک چارچوب جدید باید امکان ارزیابی گذشته در زمینه شکارچیان زن را فراهم کند.

منابع

Anderson, A., Chilczuk, S., Nelson, K., Ruther, R., & Wall-Scheffler, C. (2023). The Myth of Man the Hunter: Women's contribution to the hunt across ethnographic contexts. *PLoS one*, 18(6), e0287101.

Ballard, S. (2007). Warriors and weavers: constructing British Iron Age identities in museums. In *Archaeology and Women* (pp. 167-182). Routledge.

Berbesque, J. C., & Marlowe, F. W. (2009). Sex differences in food preferences of Hadza

- Gifford-Gonzalez, D. (1993). You can hide, but you can't run: representations of women's work in illustrations of Palaeolithic life. *Visual Anthropology Review*, 9(1), 22-41.
- Goodman, M. J., Griffin, P. B., Estioko-Griffin, A. A., & Grove, J. S. (1985). The compatibility of hunting and mothering among the Agta hunter-gatherers of the Philippines. *Sex roles*, 12, 1199-1209.
- Guliaev, V. I. (2003). Amazons in the Scythia: new finds at the Middle Don, Southern Russia. *World Archaeology*, 35(1), 112-125.
- Haas, R., Watson, J., Buonasera, T., Southon, J., Chen, J.C., Noe, S., Smith, K., Viviano Llave, C., Eerkens, J. and Parker, G., (2020). Female hunters of the early Americas. *Science advances*, 6(45), eabd0310.
- Haraway, D. J. (1989). *Primate visions: Gender, race, and nature in the world of modern science*. Routledge.
- Hawkes, K., & Bliege Bird, R. (2002). Showing off, handicap signaling, and the evolution of men's work. *Evolutionary Anthropology: Issues, News, and Reviews: Issues, News, and Reviews*, 11(2), 58-67.
- Hayden, B. (1981). Subsistence and ecological adaptations of modern hunter/gatherers. In *Omnivorous primates. Gathering and hunting in human evolution* (pp. 344-421). Columbia University Press.
- Hedenstierna-Jonson, C., Kjellström, A., Zachrisson, T., Krzewińska, M., Sobrado, V., Price, N., Günther, T., Jakobsson, M., Götherström, A. and Storå, J., (2017). A female Viking warrior confirmed by genomics. *American journal of physical anthropology*, 164(4), 853-860.
- Hewlett, B. S., Fouts, H. N., Boyette, A. H., & Hewlett, B. L. (2011). Social learning among Congo Basin hunter-gatherers. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 366(1567), 1168-1178.
- Hurtado, A. M., Hawkes, K., Hill, K., & Kaplan, H. (1985). Female subsistence strategies among Ache hunter-gatherers of eastern Paraguay. *Human Ecology*, 13, 1-28.
- Jarvenpa, R., & Brumbach, H. J. (2006). Revisiting the sexual division of labor: Thoughts on ethnoarchaeology and gender. *Archeological Papers of the American Anthropological Association*, 16(1), 97-107.
- Khorasani, D. G., & Lee, S. H. (2020). Women in human evolution redux. *Evaluating evidence in biological anthropology: The strange and the familiar*, 83, 11.
- Kuhn, S., & Sarther, K. (2000). Food, lies, and paleoanthropology: Social theory and the evolution of sharing in humans. *Social theory in archaeology*, 79-96.
- Lacy, S., & Ocobock, C. (2024). Woman the hunter: The archaeological evidence. *American Anthropologist*, 126(1), 19-31.
- Lee, R. B. (1979). *The! Kung San: Men and women work in a foraging society*. Cambridge University Press.
- Lee, R. B., & DeVore, I. editors (1968). *Man, the Hunter*. Chicago: Aldine Publishing Co.
- Lew-Levy, S., Crittenden, A. N., Boyette, A. H., Mabulla, I. A., Hewlett, B. S., & Lamb, M. E. (2019). Inter-and intra-cultural variation in learning-through-participation among Hadza and BaYaka forager children and adolescents from Tanzania and the Republic of Congo. *Journal of Psychology in Africa*, 29(4), 309-318.
- Lye, T. P. (1997). Knowledge, forest, and hunter-gatherer movement: The Batek of Pahang, Malaysia. University of Hawai'i at Manoa.
- McBREARTY, S., & Moniz, M. (1991). Prostitutes or providers? Hunting, tool use, and sex roles in earliest Homo. In *Archaeology of gender: Proceedings of the Twenty-second Annual Conference of the Archaeological Association of University of Calgary* (pp. 71-83).
- Moser, S. (1998). *Ancestral images: the iconography of human origins*. Cornell University Press.
- Murdock, G. P. (1937). Comparative data on the division of labor by sex. *Social forces*, 15(4), 551-553.

- Murdock, G. P. (1949). Social structure.
- Murdock, G. P., & Provost, C. (1973). Factors in the division of labor by sex: A cross-cultural analysis. *Ethnology*, 12(2), 203-225.
- New, J., Krasnow, M. M., Truxaw, D., & Gaulin, S. J. (2007). Spatial adaptations for plant foraging: Women excel and calories count. *Proceedings of the Royal Society B: Biological Sciences*, 274(1626), 2679-2684.
- Noss, A. J., & Hewlett, B. S. (2001). The contexts of female hunting in Central Africa. *American Anthropologist*, 103(4), 1024-1040.
- O'Connell, J. F., Hawkes, K., Lupo, K. D., & Jones, N. B. (2002). Male strategies and Plio-Pleistocene archaeology. *Journal of Human Evolution*, 43(6), 831-872.
- Owen, L. R. (2005). Distorting the past: Gender and the division of labor in the European Upper Paleolithic. (No Title).
- Politis, G. (2007). *Nukak: ethnoarchaeology of an Amazonian people*. Routledge.
- Politis, G., Costa Angrizani, R., Hernando Gonzalo, A., González-Ruibal, A., & Beserra Coelho, E. (2013). Quarenta e oito saidas: Etno-arqueologia das saidas diarias de forrageio dos Awa.
- Romanoff, S. (1983). Women as hunters among the Matses of the Peruvian Amazon. *Human Ecology*, 11, 339-343.
- Rose, L., & Marshall, F. (1996). Meat eating, hominid sociality, and home bases revisited. *Current Anthropology*, 37(2), 307-338.
- Schiebinger, L. (1999). Has Feminism Changed Science?. *Figurationen*, (0), 50-64.
- Sergel, K. (1948). I just like to kill things. *Outdoor Life*, 109, 29.
- Smalley, A. L. (2005). 'I just like to kill things': Women, men and the gender of sport hunting in the United States, 1940-1973. *Gender & History*, 17(1), 183-209.
- Solometo, J., & Moss, J. (2013). Picturing the past: Gender in National Geographic reconstructions of prehistoric life. *American Antiquity*, 78(1), 123-146.
- Sørensen, M. L. S. (1999). Archaeology, gender and the museum. In *Making early histories in museums* (pp. 136-150). Leicester University Press.
- Stange, M. Z. (1997). *Woman the hunter*. Beacon Press.
- Steward, J. H. (1938). *Basin-plateau aboriginal sociopolitical groups* (Vol. 120). US Government Printing Office.
- Tiger, L. (1969). *Men in groups*. Routledge.
- Waguespack, N. M. (2005). The organization of male and female labor in foraging societies: Implications for early Paleolithic archaeology. *American Anthropologist*, 107(4), 666-676.
- Watanabe, H. (1968). Subsistence and ecology of northern food gatherers with special reference to the Ainu. In *Man the Hunter* (pp. 69-77). Routledge.
- Wiber, M. G. (1997). Erect men/undulating women: The visual imagery of gender, "race" and progress in reconstructive illustrations of human evolution. *Wilfrid Laurier Univ. Press*.
- Wilmsen, E.N., Denbow, J.R., Bicchieri, M.G., Binford, L.R., Gordon, R., Guenther, M., Lee, R.B., Ross, R., Solway, J.S., Tanaka, J. and Vansina, J., (1990). Paradigmatic history of San-speaking peoples and current attempts at revision [and comments and replies]. *Current Anthropology*, 31(5), 489-524.
- Wrangham, R. W., Jones, J. H., Laden, G., Pilbeam, D., & Conklin-Brittain, N. (1999). The raw and the stolen: cooking and the ecology of human origins. *Current Anthropology*, 40(5), 567-594.
- Zihlman, A. L. (1998). Woman the gatherer: the role of women in early hominid evolution. *Reader in Gender Archaeology*, 91-105.